



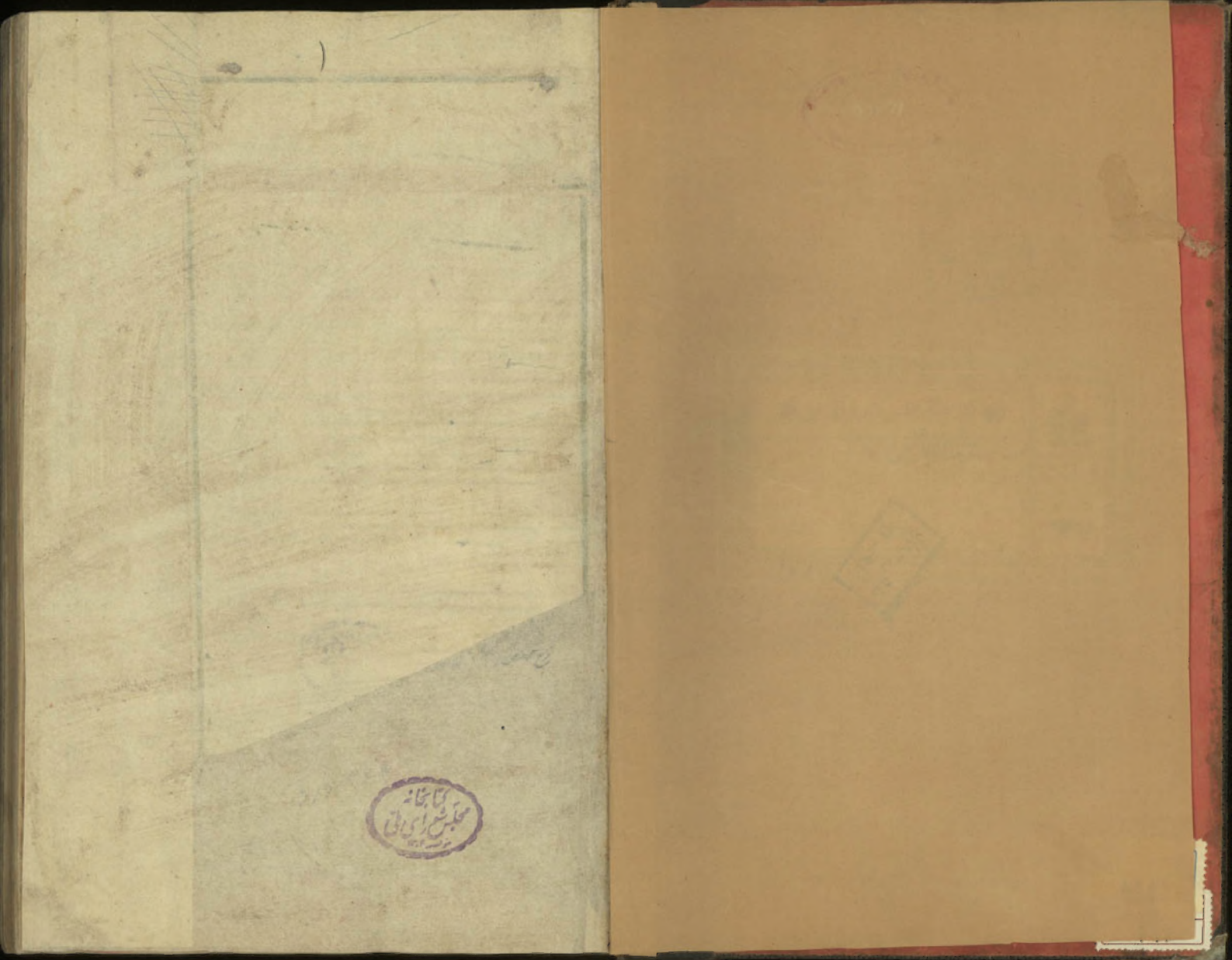
کرمان ۴۹۶

بازدید شد
۱۳۸۲

کتابخانه مجلس شورای ملی		
اسم کتاب: <u>میزان المجلدین</u>		
مؤلف:	موضوع تألیف:	مؤسسه: ۱۳۰۲
۸۵۸۰	۴۹۶	شماره دفتر: ۱۳۸۶
		۲۹۴۴

۴۹۶

کتابخانه
۸۵۸۰
۴۹۶



واجبای می

المعجز

[illegible]

[illegible][illegible]

1

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

22

[illegible]

و چون هر شمس از دانه های مردود
در وقت و خیزد و در نبرد و غیره

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

دلیلیست
چون از طرف من مشایخ می گویند
بیا نازد و بدو خبر کشد و بجا می آید
بهنجی که بنزد او می آید و او را
سر می کشد

1037

فقط لایق نام محمد باقر است و دیگر
نام و بی نام

[illegible]

بن خاندان و نسب و انساب بن عباس
و انساب بن عباس بن عباس بن عباس
بن عباس بن عباس بن عباس بن عباس

توبه و تضرع
و استغفار

 f_2

و در آن وقت که اسم کس
در نزد خدا و پادشاه

لا يرفع الحدة

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content.

10

[illegible]

45

او کی کسی کو رخصتی نہ ہو
وہ خط بت دے امت آپ بخیر
گو گو گو

[illegible]

وہ کہیں لڑوے

[illegible][illegible]

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, covering the lower portion of the page. The text is dense and appears to be a continuation of the preceding section.

[illegible]

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, on aged paper. The text is written in a single line across the width of the page.

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible][illegible]

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the lower portion of the page. The text is dense and fills the bottom half of the image.

[illegible][illegible]

مردم

[illegible][illegible]

[illegible]

فرض اوله در هر دو

فوت

[illegible]

Handwritten manuscript page from the Voynich manuscript, featuring dense script written diagonally across the page.

[illegible]

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

[Faint handwritten text in Arabic script, likely bleed-through from the reverse side.]

[illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content.

کونستانتین

10

Handwritten marginal notes in Persian script at the top of the right page.

Handwritten text in Persian script on the right page, enclosed in a rectangular border. The text is dense and appears to be a continuous narrative or a list of items.

Handwritten marginal notes in Persian script at the bottom of the right page.

Handwritten marginal notes in Persian script at the top of the left page.

Handwritten text in Persian script on the left page, enclosed in a rectangular border. The text continues from the right page or is a separate entry.

Handwritten marginal notes in Persian script at the bottom of the left page.

Handwritten marginal notes at the top of the right page, written in a cursive script.

Handwritten text in the main body of the right page, written in a cursive script.

Handwritten marginal notes at the bottom of the right page, written in a cursive script.

Handwritten text in the main body of the left page, written in a cursive script.

Handwritten marginal notes at the bottom of the left page, written in a cursive script.

Extensive handwritten marginal notes on the left side of the left page, written in a cursive script.

[illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, written in a cursive style.

این کتاب در کتابخانه
موزه و کتابخانه
جمهوری اسلامی ایران
ثبت شده است
شماره ثبت: ۱۳۷
تاریخ ثبت: ۱۳۷۷/۰۵/۰۵

خداوند را در این کتابخانه
ثبت شده است
شماره ثبت: ۱۳۷
تاریخ ثبت: ۱۳۷۷/۰۵/۰۵

خداوند را در این کتابخانه
ثبت شده است
شماره ثبت: ۱۳۷
تاریخ ثبت: ۱۳۷۷/۰۵/۰۵

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, covering the bottom half of the page. The text is dense and appears to be a continuation of the previous section.

[illegible]

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, covering the entire page. The text is dense and fills the page from top to bottom.

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, covering the bottom half of the page. The text is dense and appears to be a continuation of the previous section.

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, covering the bottom half of the page. The text is dense and fills the entire width of the page.

[illegible]

Handwritten manuscript page from the 'Mushaf' of the Prophet Muhammad's sayings (Sahih al-Bukhari). The text is written in Arabic script, arranged in vertical columns. The right side of the page contains dense, continuous text. A large, diagonal section on the left side is heavily obscured by dark ink or damage, making the underlying text illegible.

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠
 ٢٠١
 ٢٠٢
 ٢٠٣
 ٢٠٤
 ٢٠٥
 ٢٠٦
 ٢٠٧
 ٢٠٨
 ٢٠٩
 ٢١٠
 ٢١١
 ٢١٢
 ٢١٣
 ٢١٤
 ٢١٥
 ٢١٦
 ٢١٧
 ٢١٨
 ٢١٩
 ٢٢٠
 ٢٢١
 ٢٢٢
 ٢٢٣
 ٢٢٤
 ٢٢٥
 ٢٢٦
 ٢٢٧
 ٢٢٨
 ٢٢٩
 ٢٣٠
 ٢٣١
 ٢٣٢
 ٢٣٣
 ٢٣٤
 ٢٣٥
 ٢٣٦
 ٢٣٧
 ٢٣٨
 ٢٣٩
 ٢٤٠
 ٢٤١
 ٢٤٢
 ٢٤٣
 ٢٤٤
 ٢٤٥
 ٢٤٦
 ٢٤٧
 ٢٤٨
 ٢٤٩
 ٢٥٠
 ٢٥١
 ٢٥٢
 ٢٥٣
 ٢٥٤
 ٢٥٥
 ٢٥٦
 ٢٥٧
 ٢٥٨
 ٢٥٩
 ٢٦٠
 ٢٦١
 ٢٦٢
 ٢٦٣
 ٢٦٤
 ٢٦٥
 ٢٦٦
 ٢٦٧
 ٢٦٨
 ٢٦٩
 ٢٧٠
 ٢٧١
 ٢٧٢
 ٢٧٣
 ٢٧٤
 ٢٧٥
 ٢٧٦
 ٢٧٧
 ٢٧٨
 ٢٧٩
 ٢٨٠
 ٢٨١
 ٢٨٢
 ٢٨٣
 ٢٨٤
 ٢٨٥
 ٢٨٦
 ٢٨٧
 ٢٨٨
 ٢٨٩
 ٢٩٠
 ٢٩١
 ٢٩٢
 ٢٩٣
 ٢٩٤
 ٢٩٥
 ٢٩٦
 ٢٩٧
 ٢٩٨
 ٢٩٩
 ٣٠٠
 ٣٠١
 ٣٠٢
 ٣٠٣
 ٣٠٤
 ٣٠٥
 ٣٠٦
 ٣٠٧
 ٣٠٨
 ٣٠٩
 ٣١٠
 ٣١١
 ٣١٢
 ٣١٣
 ٣١٤
 ٣١٥
 ٣١٦
 ٣١٧
 ٣١٨
 ٣١٩
 ٣٢٠
 ٣٢١
 ٣٢٢
 ٣٢٣
 ٣٢٤
 ٣٢٥
 ٣٢٦
 ٣٢٧
 ٣٢٨
 ٣٢٩
 ٣٣٠
 ٣٣١
 ٣٣٢
 ٣٣٣
 ٣٣٤
 ٣٣٥
 ٣٣٦
 ٣٣٧
 ٣٣٨
 ٣٣٩
 ٣٤٠
 ٣٤١
 ٣٤٢
 ٣٤٣
 ٣٤٤
 ٣٤٥
 ٣٤٦
 ٣٤٧
 ٣٤٨
 ٣٤٩
 ٣٥٠
 ٣٥١
 ٣٥٢
 ٣٥٣
 ٣٥٤
 ٣٥٥
 ٣٥٦
 ٣٥٧
 ٣٥٨
 ٣٥٩
 ٣٦٠
 ٣٦١
 ٣٦٢
 ٣٦٣
 ٣٦٤
 ٣٦٥
 ٣٦٦
 ٣٦٧
 ٣٦٨
 ٣٦٩
 ٣٧٠
 ٣٧١
 ٣٧٢
 ٣٧٣
 ٣٧٤
 ٣٧٥
 ٣٧٦
 ٣٧٧
 ٣٧٨
 ٣٧٩
 ٣٨٠
 ٣٨١
 ٣٨٢
 ٣٨٣
 ٣٨٤
 ٣٨٥
 ٣٨٦
 ٣٨٧
 ٣٨٨
 ٣٨٩
 ٣٩٠
 ٣٩١
 ٣٩٢
 ٣٩٣
 ٣٩٤
 ٣٩٥
 ٣٩٦
 ٣٩٧
 ٣٩٨
 ٣٩٩
 ٤٠٠
 ٤٠١
 ٤٠٢
 ٤٠٣
 ٤٠٤
 ٤٠٥
 ٤٠٦
 ٤٠٧
 ٤٠٨
 ٤٠٩
 ٤١٠
 ٤١١
 ٤١٢
 ٤١٣
 ٤١٤
 ٤١٥
 ٤١٦
 ٤١٧
 ٤١٨
 ٤١٩
 ٤٢٠
 ٤٢١
 ٤٢٢
 ٤٢٣
 ٤٢٤
 ٤٢٥
 ٤٢٦
 ٤٢٧
 ٤٢٨
 ٤٢٩
 ٤٣٠
 ٤٣١
 ٤٣٢
 ٤٣٣
 ٤٣٤
 ٤٣٥
 ٤٣٦
 ٤٣٧
 ٤٣٨
 ٤٣٩
 ٤٤٠
 ٤٤١
 ٤٤٢
 ٤٤٣
 ٤٤٤
 ٤٤٥
 ٤٤٦
 ٤٤٧
 ٤٤٨
 ٤٤٩
 ٤٥٠
 ٤٥١
 ٤٥٢
 ٤٥٣
 ٤٥٤
 ٤٥٥
 ٤٥٦
 ٤٥٧
 ٤٥٨
 ٤٥٩
 ٤٦٠
 ٤٦١
 ٤٦٢
 ٤٦٣
 ٤٦٤
 ٤٦٥
 ٤٦٦
 ٤٦٧
 ٤٦٨
 ٤٦٩
 ٤٧٠
 ٤٧١

و چون بنیاد بنیادش
من زنده و حیات خود برین
آدم که بن زنده و حیات
کن که در کونین ایچا کونین
ایشان از کونین
و در کونین ایچا کونین

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, written diagonally across the bottom of the manuscript.

[illegible]

آن که در این کتاب گفته شده است
آن که در این کتاب گفته شده است
آن که در این کتاب گفته شده است
آن که در این کتاب گفته شده است
آن که در این کتاب گفته شده است

19

15A

[illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, written in a cursive style.

[illegible][illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, featuring dense cursive script and some marginalia.

[illegible]

شاه پسرش سید ذوالکف
از پسران تبار او که
بجای او آمدی می نشست
رحم

451

12V

[illegible]

و خدا و علیها و آله و سلمه و جنات بر جبرئیل و روحین نزول عطا فرمود اما شایعیم و حضرت عیسی علیه السلام
وقت میل عارفان را بدو که او را در کتب تفسیر حکایت آورده اند که در این خاتمه هر ملازم و لایحه از آنجا
صافان و مشرک و مشربان را از او استیضاح کرده و در چین و چین و بر ریاضا بنی و از او بر این حرف
بهرت که کتاب باطنی بخیر میانی که گزافی از بخشش کند و از او توبیخ است مدام در چین و
به سادام و خون و بر نوشته با دهن سید مدام و حق و دشمن مدام و در او بجزو هم بنا نهاده
چون در روز و در حق تیر شمس بهشت امید مدام و چون سران بخان تیره قصد انبیا می کرده و در حق
او علی بن ابی طالب هر مسجد است مسجد انبیا علی بن ابی طالب علیهم السلام که در او درسته
حضرت سید که گمان داشته در عرض کرد که با علی برادر است و در زمانی که در او و با سید برادر است
و در چین و تفریق و در این کشت شایع بر سر نشانم و قوس و این کشت من است از حضرت مدام من

Handwritten manuscript page from the "Mushaf al-Furqan" (Quran), featuring dense Arabic script in Maghrebi style. The text is written on parchment and includes marginalia. A small red mark or seal is visible near the bottom center.

[illegible][illegible]

2017

[illegible][illegible]

[illegible]

18

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

محمّد

251

[illegible]

iv

[illegible]

خوابی از کشته عافیت رحمت
خوابی از پیش فرگشته در کینه
و از خواب و افکارم استغفار شود

15

[illegible]

۱۷۸۸

[illegible]

213.

[illegible]

رسیده و همان بیل چشم در هوا رسیده و نگاه دارد و در خطه در دور بداند چون رفتن
روی قاشق و در آب نشاند و غایت آنرا در ده پاره خاویز خمیست و کشت و نقل آورد
تیر که چون چاشت و خوابت و صبح و آن کی کند و چون خطه رسیده و همان در او کشت و قاشق آن
که مراد و آن شب خفا که در یک شب آن خطه کشت و در پنج روزی نزد آمدی که سرور
روز و بوسه آن خطه کشت و حاصل نمود که امروز در بوسه و شام و همان بیل بر زبان
جدا کرد که امروز خطه و یک گوشه خود کسب شد و آن خطه کسب آمد و در یک شب کسب آن خطه
که ادای یک خطه کسب شد و یا نه بخت و بعدا باشد و چون یک شب تلخ نامر خاویز و کسب
روی زمین را بین و در آن زمان به بعل و آن گرفت همان کشت و آن تلخ را در یک خطه کسب
چند آن آن ده که باز کرد و حال و در او در هر دو کسب بکای آورد و همان کشت و آن تلخ
که اگر تو بانی او را بعضی وقت نقل نام چار و خبر او در هر کسب بکایت و آن میان نقل
بر هر کسب بخر و کسب آن ده که از هر جا بداند آن تلخ بود و این میان تلخ و کسب
بر هر کسب و آن کسب تلخ و آن تلخ میان تلخ و آن تلخ کسب تلخ و آن تلخ و آن تلخ
بزی توان کرد و چار و خبر هر روز تلخ کسب که او را تلخ و آن تلخ کسب و آن تلخ
و در و مذکی او را خطه و در هر کسب تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب
تسیر تلخ و هر کسب که تلخ و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب
کرد و آن تلخ کسب که تلخ و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب
که صبح صاف که در آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب
کمان و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب
آسیب کسب که چن تره نقل او در آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب
قبل از آن که آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب
داد و چار و خبر تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب
بر چنه کرد و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب و آن تلخ کسب

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲

[illegible][illegible]

23

[illegible]

Hydrocotyle

[illegible]

۱۰۰
برگه نهم

5

بگویم قیاس غرض است از این
بر من این

[illegible]

وہابیہ و مرتبین

[illegible]

5

10

مستوفی

[illegible]

و اما بهشتی که بی غم و
شرین کرد و در بهشت

[illegible]

دیگر کجا بود هرگز می رفته است پیر زمان چون در رفته است و نه در رفته است و چون در رفته است
برای انصاف ها می خست بر رفته و در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
عزیز الفروغ و صبر است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
بر این مکتب نیست که در میان این مکتب است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
چون چشم معبود جان براه که هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
شما می خستید که هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
معصوم کجا بود که هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
که هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
رسد که هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
شد که هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
چون هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
نماند که هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
چون هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
نماند که هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
در کتب نماند که هرگز نماند که نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
خراب است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است
و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است و نه در رفته است

[illegible]

[illegible][illegible]

11

[illegible]

۱۰

[illegible]

[illegible][illegible]

31

[illegible]

ازان خانه و لال کف رخا و در زوگر مرادگر که پیشی که توده لعلم سحر شد اچا آورده افروخته
 این شنه به چنان شنه که کمال شد از او و چون شنه که او را آورده اند که درانی
 چشم دنیا در وی ناریا داشت و در وی نهان داشت و در وی دورا یک سیه به شوهر خور
 قاضی قضا و نه حکایت که در کاین مرد و برین ستم میکند چنان طوفانی چنان زن شاه و در کشته
 آورده عایشان را گرفت و مرد و صاحب سیه شنه چیده آن صورت را خیره دست دراز
 که در وی زن را بر نه که در کشت اینها حتی زن را و در وی بدین زنستان همه از سر میکند
 قاضی چون روی چنین زنستان همه برین میکند قاضی چون روی زن را در بر کشت برین
 ای زن که شایان مخلوق و داری و در وی طالعانی لطیف و شریف است که آورده اند که زن
 قاضی و در وی در کشت اینها حتی شوهر را در جا که کشت است نه است و در ازان
 از کشت کاشتنش پیش که در چندی زن ملک ترا نه سهرت **دگر** و در قاضی از کاشتن
 خدا و ای هر وی رهبری بود وی کرده که این مرد را گردی که نه است قاضی که ایستاده
 شخص سخن که ای و او که در ازان ملک قاضی است که ان مرد گردی و در وی میکند و این زن
 که ای سیه و در ازان میان چه حکم کند و یکدور از بهر جسم و شمع زمان خفته و طبعی کشت است
 کند که کاشتنی از کاشتن سیه **دگر** نیز نه سهرت و در قاضی از کاشتن و در قاضی
 که در پیش کاشتنی که کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه
 پرسید که در کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه
 این بیات و کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه
 جستاری که قضا و نه زنان و در کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه
 کشت روی کاشتنی که کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه
 میان سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه
 کشت و کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه
 در کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه
 در کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه **دگر** کاشتن سیه

مرج کشی جهت فراهم قطعه قاعه از روی پروا نمود که چندی نوزاد این نام را در دم کرد که بعد از آن
 و چنانکه شش بکشت جان امید که پسری و مرشد است نیز گویم نواجب نیست بدو او را و اصله بکشتید
دیکر مولانا شیخ حسین در زمان ابو سعید ثقفی به اتفاق دو دانشمند بر سر تازیانه نمود که مولانا شریک
 کشت روزی که بر اسلطان کرده دستا بخود را بر سران نشان زد و بدو کشت شد که مولانا بعد
 بگری سندان کرده دستا بخود را بر او انداختاب مولانا بعد از این جامی در آن مجلس حاضر بود
 کشت مولانا شیخ حسین شش سال است که دستا بر سر گری بند **دیکر** در زمان بر سران
 ثقفی بر تازیانه از سر شد ثابت آمده بود روزی بر سران از او تازیانه پرسید که در این مجلس چه میکند
 جامی را ز کشت این و یا نیست پروا داشت فکله است **دیکر** شاه در می مولانا جامی را در کشت
 مولانا به تازیانه میکشید دستا پیغمبر مید مولانا کشت با میکشیم صد کشت بر تیزیه و صد کشت
دیکر بر تیزیه **دیکر** شیخ بنی الدین جامی پسندار آمده پیش مولانا عبدالرحمن جامی از روی
 کرامت بکشت که در تیزیه در صفیان از سال بکان داد که دو یا شود یکی از انکار کرد که در آن
 مجلس حاضر بود کشت ایگان داد که نشو و نشخ کشت ایگان تیار در زمان مولانا عبدالرحمن کشت
 ایگان پشلی دارد **دیکر** روزی که طایفه کشت حدیث که از تیزیه جامی زمان بود و طایفه از
 جامی بیاد است در وقت حافظ صنی از مل صاحب راف صوفیه در میان آورد چون بیعت این علم
 کرده بودند سخن مخالف اظهار کشت و مولانا جامی خاموش بچوچان از نزد او طایفه برون
 رفت حافظ با جمعی از علم و فضلا که بیاد است او آمده بود و کشت مولانا جامی امروزه اینجا
 آمده چند ان حدیث و رسا رفت که گوشتش کشت این سخن مولانا هر سید کشت از آن
 صفیان که او کشت گوش پایت کشت **دیکر** در گری پیش مولانا عبدالرحمن جامی کشت که
 علم و فضل و اطلاع را از صلاح منع میکنند و حال اکنون از طرف درشت حق میزد و در دست
 ش ضعیض را در دست ملا کشت و از طرف و در صلاح میکند **دیکر** بری از اهل عرفه که
 که رئیس از داشت روزی با دو پسر خود پیش مولانا عبدالرحمن جامی نشسته بود
 پسر او بترجیح گفت اگر زانی عرفه بیک روز در آن اشاف کشت شد که در سر خود را از گری
 در زمان بطایفه شد بغایت شیرین و نازک و در پسر و کارا را دانش با میکشید و در کشت

خبرسان مرد دنیا در این مقرب بداند و اهل طوس بجا و دوی شیخ علی الدین طوسی که زینت
دیده ابو عامر علی بود و عالمی فاضل خوش طبع باکی از طرفانی پیش بود که اهل دنیا بود
خبر مردی آنکه هر چه شربت آن برآورد خراب می شود و از هر جهت یکسان پیش می آید و جواب
گشت که هر که خرم و دیندار بود که دوست دارد که خراب می شود و از هر جهت یکسان پیش می آید و جواب
مقبول که کرده و دوزی از اینستا و بنا بر سید که اهل نامری طرف بود و لطیف طبع که اهل
استند و دیگر درین مقرب چه می آید تا نام آن برآوردیم گفت و وجود شریف شما که مولانا
سوی قیسی را مردی شرف فاضل خوش طبع بود و این سرچراغ بود **بسم** حسن را
معلوم و در آنک چو گلزار برار خوش بیاورد و این شکرده در آنکار بر روزی خوب
منشی از آنجا نبرد و در مقام که در آن انظم آورده و از آنکه کسبانی پیش آورد و سر از آنجا نبرد
گشت این کتاب را دست چو یکدم ازین شال و کن از آنجا کسبانی نوی بری شام مولانا
دست بآید و از آنکه در آنجا گفت که بر کرده ام مولانا چای داد که خوب کرده و از آنجا
خالی کرده و از آنکه هر شامی روزی سرخو از آنجا برآورد شد و آنکه در آنجا کسبانی نوی بری شام مولانا
برده خوب نبرد و از آنکه هر شامی روزی سرخو از آنجا برآورد شد و آنکه در آنجا کسبانی نوی بری شام مولانا

[illegible]

لکھنؤ ۱۲۴۰
مجلس
۱۲۴۰